

## وحشت و حیرت

جهان نسبت به تجمع طرفداران ترامپ که قلب دموکراسی آمریکا را غارت کردند چگونه واکنش نشان داد؟

### تحت نظر هیئت تحریریه

هیئت تحریریه، تیمی از روزنامه نگاران کارشناس است که دیدگاه‌های آن‌ها با تجربه، تحقیقات، مباحثات و ارزش‌های مشخص و دیرینه، به اطلاع می‌رسد. هیئت تحریریه از اتاق خبر جدا است.

۸ ژوئن ۲۰۲۱

در سراسر جهان، شوک حمله روز چهارشنبه به ساختمان کنگره آمریکا، سؤالی را که چهار سال تمام مانند آتش زیر خاکستر بود، میان موافقان و مخالفان دشمنان آمریکا شعله‌ور کرد. ایما ریورولا در ال پریدیکو دی کاتالونیا که یک روزنامه اسپانیایی در بارسلونا است به شکلی اندوهناک و گویا نوشت: «و باز هم شک و تردید؛ آیا این رویداد، آخرین دُمل چرکین بود یا عفونت سرایت پیدا کرده و حالا تهدیدی است برای آلوده کردن کل سیستم؟» آیا دونالد ترامپ فقط یک انحراف جزئی داشت یا این ماجرا، شروع شوم انحطاط قطب دموکراسی جهان است؟ این سؤالی است که در سیستم‌های

دموکراتیک، دهان به دهان می‌چرخد که در سال‌های اخیر در میان جنبش‌های پوپولیست، گرفتار شده است. جنبش‌های پوپولیستی که از ترکیب ناسیونالیسم راست‌گرای افراطی و اعتراضات طبقه کارگر بعد از رئیس‌جمهور ترامپ تغذیه می‌شدند. آستریا کلینز زینتوگ نوشت: «آن شب در یادها خواهد ماند؛ همان شبی که حتی قدیمی‌ترین و ماندگارترین دموکراسی موجود، بی‌تردید خود را در لبه پرتگاه می‌دید.» حالا که این اتفاق در واشنگتن، یعنی مهد نهادهای دموکراتیک رخ داده است، پس دیگر هیچ جامعه‌ای در امان نیست.

در سوی دیگر طیف جغرافیای سیاسی، رژیم‌های مستبد و خشک، از مشاهده اغتشاش در کشوری ابرقدرت که به قلدری و تحریم آن‌ها به خاطر تضعیف دموکراسی و حقوق بشر عادت داشت، به وجد آمده‌اند. حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران گفت: «آنچه در واشنگتن دیدیم، نشان داد که دموکراسی

غربی چقدر فشل و سست است». وزارت خارجه چین بیان کرد: «همین مقامات آمریکایی که امروز تجمع در واشنگتن را محکوم می‌کنند، تظاهرات کنندگانی را که به قوه مقننه هنگ‌کنگ یورش برده بودند، «قهرمان» خطاب می‌کردند. باید این تناقض را بازتاب گسترده داد». حرف‌های مشابهی نیز از مسکو که مغالطه‌های «پس چه ایسم» را از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده است، شنیده شد.

این جنایتکاران مستبد باید روی این موضوع، خوب فکر کنند که ترامپ، خارج از دفتر رأی داده است، در حالی که مریدهای وفادار او طبق سنت دیرینه عوام‌فریبان بی‌آبرو، از راه سوراخ و سنبه فرار می‌کردند. با این حال، خوشحالی مخالفان آن‌ها بر صدمات بزرگ روز چهارشنبه، به ادعای غرورآمیز آمریکا مبنی بر این‌که رهبر جهان آزاد است، پرننگ‌تر می‌شود و به

۱. اصطلاح پس چه ایسم نوعی مغالطه برای منحرف کردن طرف مقابل از بحث اصلی است. این اصطلاح بیشتر مربوط به دوران «جنگ سرد» بین شرق و غرب است که یک روش تبلیغاتی برای روس‌ها محسوب می‌شد، چون هر وقت هدف انتقاد قرار می‌گرفتند، فوراً پاسخ می‌دادند: «پس در مورد فلان چیز چه می‌گویید؟»



امید و حمایت از صدای مردمی که برای دموکراسی می‌جنگند، تأکید می‌کند. ایالات متحده از زمان دو جنگ جهانی، در نظر دوستان و دشمنان، با تمام فراز و نشیب‌هایی که پشت سر گذاشته، نماد دموکراسی و آزادی در جهان بوده است. هنگامی که آمریکا مورد انتقاد و حتی دشنام قرار گرفت (چه در جنگ ویتنام، چه در رقابت تسلیحاتی جنگ سرد یا رسوایی واترگیت)، باز هم فراتر از این خطاها ایستاد و بر اساس استانداردهایش به مسیر خود ادامه داد و آمریکایی‌ها همیشه سریع به متحدان خود اطمینان خاطر می‌دادند که «ما بهتر از این هستیم» و این عبارتی

است که این روزها، اغلب در میان مخالفان ترامپ به گوش می‌رسد. اتحادیه شوروی و سایر حکومت‌های مستبد با تظاهر به اجرای انتخابات دموکراتیک و ایجاد قانون اساسی من‌درآوردی پرطمطراق که هرگز قصد اجرای آن را نداشتند در اصل به این الگوی آمریکایی، ادای احترام کرده‌اند. حتی قبل از اینکه ترامپ به قدرت برسد و حمله خود را به خط‌مشی‌های دموکراتیک و رسانه‌ها آغاز کند، از آنجایی که او مرتب برای متفقین، هیئت حاکمه و پیمان‌های شکسته شده، شاخ‌وشانه می‌کشید و به قاعده و احکام سیاسی به دور از نیرنگ و دروغ، تئوری‌های توطئه‌آمیز، نژادپرستی و نارضایتی‌ها بی‌تفاوت بود، اطمینان‌طلبی‌ها ضعیف شده

بود. نخست‌وزیر مستبد مجارستان، ویکتور اربان، با افتخار دموکراسی لیبرال را به حمایت جنجال‌آمیز از ترامپ محکوم کرد. با این حال، حتی با گذشت چهار سال تمام از این‌ها، تصاویر آن اراذل شبه‌نظامی یا آن معترضان که قیافه دلچک را برای خود درست کرده و به کنگره یورش بردند، شوکی عظیم به جهانیان وارد کرد؛ در واقع، قرار نبود اینجا اتفاق بیفتد.

عبارت «وضعیت ایالات متحده به سطح کشورهای آمریکای لاتین کاهش یافته است»، به نوعی حکم خود تخریبی روزنامه آگلوبی برزیل را نشان می‌دهد. به طور دقیق، در میان مدت، حمله به ساختمان کنگره آمریکا موجب تاریک‌ترین



اثر این شوک به تدریج فروکش خواهد شد. تحلیل یک رئیس جمهور بیشتر با درک جهان دموکراتیک از بلندپایه‌ترین مقام آمریکایی، نمایشی قوی از تاب‌آوری دموکراسی آمریکا خواهد بود و جو بایدن، رئیس جمهور منتخب، وعده اقدام سریع برای جبران بدترین خسارت‌های وارده به خارج توسط ترامپ را داده است. این بیماری همه‌گیر سرسخت در صدر دستور کار جهانی، قرار خواهد گرفت؛ اما عمق و شدت واکنش‌های جهانی نشان می‌دهد که اعتبار و هیمنه رابطه آمریکا با جهان، شکسته شده است. این مسئله چیزی فراتر از شعار بایدن است که می‌گوید: «ما بهتر از آن هستیم» که دوستان دموکراتیک یا دشمنان دیکتاتور را متقاعد می‌کند که حمله به قلب دموکراسی آمریکا توسط طرفداران متعصب ترامپ، فقط یک ناهنجاری موقت بود.

لحظه تأکید کرد و در طی آن اعلام نمود که «معبد دموکراسی آمریکا»، مورد حمله قرار گرفته است. او گفت: «یک نفر و یک رأی، یک جهان را تحت شعاع قرار می‌دهد». بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس که اتحاد امیدبخشی را پیرامون ترامپ دیده بود، این «صحنه‌های ننگین» در واشنگتن را محکوم کرد. این موضوع برای ریچارد هاس، دیپلمات کارکننده و رئیس شورای روابط خارجی، چیزی کم‌تر از پایان یک دوره نبود. او در یک پیام توییتری نوشت: «ما شاهد تصاویری بودیم که هرگز تصور نمی‌کردم که آن‌ها را در این کشور ببینیم؛ در برخی پایتخت‌های دیگر چرا ما در اینجا، نه. احتمالاً در جهان، دیگر هم‌چون گذشته، هیچ‌کس شاهد احترام، ترس یا وابستگی به ما نخواهد بود. اگر دوره پسا آمریکایی شروعی داشته باشد، به‌طور قطع، همین امروز است.»

خاطرات و ترس از دموکراسی‌های جهان شد. در میان متفقین، آلمان به طور ویژه، متوجه شباهت‌هایی بین صحنه‌های وقوع در ساختمان کنگره آمریکا و تاریخ کشور خود شد؛ روبرو شدن یک دموکراسی ضعیف توسط آدلف هیتلر و تلاش اخیری که در آگوست، جمعی از راست‌گراهای افراطی معترض به محدودیت‌های کرونا و بیروس برای هجوم به رایش‌تاک، ساختمان پارلمان آلمان، در برلین کردند. صدراعظم، آنگلا مرکل که در ایالت ایست بازرسی آلمان شرقی بزرگ شده و منتقد شدید اداره حکومت ترامپ بود، اظهار داشت که این تصاویر، «من را عصبانی و ناراحت کرده است» و در مورد عتاب قرار دادن ترامپ تردیدی نکرد. امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه که در ابتدا کوشیده بود تا دست دوستی به سوی ترامپ دراز کند (اما ناموفق بود)، در یک سخنرانی که بخشی از آن به زبان انگلیسی ایراد شد، بر اهمیت این